



تصوف؛ فرقه یا طریقت؟/ فرصتی برای مقابله با سلفی‌گری

حجت الاسلام کربلایی و حجت الاسلام آل یمین، دو کارشناس حوزه ادیان و عرفان طی نشست خبرگزاری مهر با عنوان «تحلیل و بررسی تصوف فرقه ای»، به بررسی ظرفیت ها و آسیب های تصوف در ایران پرداختند.

حجت الاسلام کربلایی و حجت الاسلام آل یمین، دو کارشناس حوزه ادیان و عرفان طی نشست خبرگزاری مهر با عنوان «تحلیل و بررسی تصوف فرقه ای»، به بررسی ظرفیت ها و آسیب های تصوف در ایران پرداختند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: تصوف، در دوران معاصر، علیرغم پیشینه طولانی در جهان اسلامی همواره با تردید نگرینسته شده است. طریقه های مختلف صوفی اگرچه دارای برخی کج رفتاری ها و کج اندیشی هایی بوده اند، اما نمی توان برخی از امکان ها و ظرفیت های آنها را نیز نادیده گرفت. آنچه لازم و ضروری به نظر می رسد این است که ما فهم درستی از هر یک از طریقه های صوفی چه در داخل کشور و چه در خارج بیابیم تا بتوانیم به صورت مجزا نسبت به آنها قضاوت کنیم و یا تعامل مناسبی با آنها داشته باشیم. این فهم درست از تصوف و تعامل مناسب با آنها باعث می شود برخی از آسیب ها و نگرانی هایی که در مورد آنها وجود دارد، کاسته شود.

چندی پیش نشست «تحلیل و بررسی تصوف فرقه ای» با حضور حجت الاسلام مرتضی کربلایی، استاد حوزه و دانشگاه ادیان و حجت الاسلام آل یمین، استاد دانشگاه تهران با همکاری مرکز مطالعات راهبردی شیعه شناسی در خبرگزاری مهر برگزار شد که مشروح آن را در ادامه می خوانید؛

تصوف یک رویکرد باطنی به دین است

حجت الاسلام مرتضی کربلایی در ابتدای این نشست گفت: عنوانی که برای این نشست انتخاب شده است «تحلیل و بررسی تصوف فرقه ای در ایران» است. برای بررسی این مسئله باید ابتدا بدانیم تصوف چیست و فرقه کدام است تا بفهمیم تصوف فرقه ای چیست و اساساً تعبیر تصوف فرقه ای آیا اصطلاح درستی است.

وی ادامه داد: بحث اول من این است که تصوف یک رویکرد باطنی به دین است و همه ادیان هم این رویکرد را دارند. مسئله مجاهدت های نفسانی و ریاضت نفس، رسیدن به کمال از طریق شهود قلبی در همه ادیان وجود دارد و در اسلام نیز این مسئله مستثنی نیست.

وی افزود: بحث دوم این است که لازم است توجه داشته باشیم که تصوف یک مذهب در کنار مذاهب اسلامی دیگر نیست. ممکن است فرد صوفی، اشعری یا معتزله یا امامی باشد، لذا تصوف مذهب نیست.

حساب تصوف را باید از معنویت های نوپدید جدا کرد

کربلایی گفت: نکته سوم این که حساب تصوف را باید از معنویت های نوپدید جدا کرد. نمی توان به جریان های معنوی ای که اکنون شاهد آن هستیم، عرفان گفت، عنصر اصلی و سازنده عرفان، حق تعالی و معرفت به اوست که عمده معنویت های نوپدید فاقد آن هستند. در چند سال اخیر تصوف در کنار معنویت های نوپدید قرار گرفته است، در حالی که تصوف عقبه ۱۲۰۰ ساله در عالم اسلام دارد. ما در قرن دوم شاهد شکل گیری تصوف هستیم و تصوف جریانی است که ظهور و بروز اجتماعی پیدا کرده است. صوفیه از نظر جامعه شناختی به گروه تبدیل شده است و یکسری آداب و رسوم و مناسک خاصی پیدا کرده، مکان هایی تحت عنوان خانقاه بنا کرده اند و عقبه ای طولانی در عالم اسلام دارند. لذا اینطور نیست که تصوف را در کنار جریان های معنوی همچون اشو و سای بابا و اکنکار... قرار دهیم و بخواهیم آن را نقد کنیم. هر جریان فرهنگی نیاز به نقد و آسیب شناسی دارد و تصوف هم منزه از آسیب و انحراف نیست، همچنان که در جریان فقها یا محدثین و متکلمین هم آسیب هایی داشته ایم.

وی ادامه داد: تصوف با عقبه ۱۲۰۰ ساله خود منزه از آسیب ها نیست، اما می خواهم عرض کنم که سایر جریان های فرهنگی نیز این مشکلات را داشته و دارد. چه شده که امروز تصوف برای ما پرنرنگ شده است؟ آیا مسئله امروز ما تصوف است؟! در مباحث تمدن و فرهنگ اسلامی لازم است ظرفیت های همه جریان ها را تحلیل و بررسی نمود و یکی از آن جریان ها تصوف است. علاوه بر اینکه تحلیل های ما غالباً علمی است ولی داده های ما به لحاظ میدانی آن چنان

غنی نیست. پشت صحنه برخی مسائل و اتفاقات در حوزه تصوف معاصر را نمی دانیم. لذا تحلیل ما کامل نیست. از این رو تأکید می کنم که در این نشست درباره تصوف سنتی و اصیل سخن می گوئیم، نه تصوف معاصر. بحث ما نیز علمی و معرفتی است و مصداقی نیست.

تصوف و آداب آن بدعت در دین نیست

وی افزود: نکته چهارم اینکه به نظر می رسد تصوف و آداب آن بدعت در دین نیست. مستحسنان صوفیه برای خود جایگاهی دارد. از همان قرون ابتدایی ظهور صوفیان، شاهد پوشش خاص و اماکن خاص برای ریاضت و hellip; هستیم. بحث مستحسنان صوفیه جز مباحث اجتماعی تعالیم طریقتی در قرآن و سنت است که اصول و مبانی خود را دارد و البته باید مورد ارزیابی قرار بگیرد.

کربلایی گفت: بنابراین تصوف یک رویکرد باطنی به دین است که منحصر به اسلام نمی شود و یک مذهب هم به حساب نمی آید.

وی ادامه داد: حال سوال این است که فرقه چیست؟ در بحث های فرق اسلامی، فرقه را به موضوع حدیث افتراق گره می زنند. پیامبر فرمود که جامعه اسلامی بعد از من ۷۳ فرقه می شوند که یکی از آنها بر حق است. بحث های حدیث شناسی این حدیث جای خود را دارد و الان فرصت پرداختن به آنها را نداریم.

وی افزود: فرقه یک حرکت اجتماعی خود انگیخته است که ویژگی هایی دارد؛ الف) پیروان یک فرقه، از جامعه جدا می شوند و به عبارتی تافته جدابافته می شوند. ب) از جامعه و وحدت درونی آن عبور می کرده و در نتیجه انسجام و وحدت جامعه از بین می رود و شاهد انشقاق اجتماعی و دینی می شویم. ج) ویژگی سوم این است که به تدریج خود را به عنوان یک پدیده اجتماعی مهم جا می زنند. این سه ویژگی فرقه است.

وی اظهار داشت: آیا اساساً تصوف، فرقه است و تعبیر و اصطلاح تصوف فرقه ای تعبیر درستی است؟ آیا اگر از مشایخ صوفیه سوال شود که شما فرقه هستید، می گویند ما فرقه ایم؟ حتی اگر از عالمان و محققین این حوزه سوال کنیم بر این تعبیر صحنه می گذارند؟

تصوف، فرقه نیست

کربلایی ادامه داد: پاسخ این است که هیچ صوفی و هیچ محقق منصفی نمی گوید که تصوف فرقه است. اساساً تصوف طریقت و راه است. راه ولایت که به سوی توحید و شناخت خداوند منتهی می شود. هرچا تعلیم و تعلم باشد مسئله سلسله مراتب و سایر آداب نیز مطرح می شود و این غیر از فرقه است. بله، از نقطه نظر جامعه شناختی می گوئیم گروه شکل گرفته و قوانین خود را دارد. فرقه دلالت بر جدایی می کند، اما در تصوف سخن از اتصال به ولایت درمیان است.

وی افزود: برخی می گویند هرگاه تصوف تشکیلاتی شده از حالت طریقه بودن خارج شده است، اما به نظر می رسد این بزرگواران تجربه تربیت عرفانی نداشته اند. شما اگر محافل و حلقه های تربیتی عالمان ربانی معاصر شیعه را مثل آیت الله خوشوقت و آیت الله حق شناس و حاج آقامجتبی تهرانی و hellip; را نگاه کنید ایشان طبیعتاً کسانی را دارند که صاحب سر آنها هستند و بین شاگردانشان پیشکسوت هستند و اگر کسی تازه وارد باشد به حلقه های آنها ارجاع داده می شود و سلسله مراتب دارند و آداب دیگر. تصوف هم همینطور است. در هر جریانی مدیریت و تدبیر و نظام سازی صورت گیرد، اثرگذارتر و ماندگارتر است.

وی اظهار داشت: تصوف به معنی راه رسیدن به خدا و کمال و مواجهه مستقیم با حقیقت است. راه و روشی که در تصوف است بر اساس ریاضت و مجاهدت نفسانی و رسیدن به مقام شهود و حق الیقین از طریق فناء فی الله و مقرب درگاه خدا شدن است. البته وقتی تصوف، فرقه یا سازمان به معنای منفی آن که مساوی با دورشدن از ارکان طریقت است، شود دچار آسیب هایی می شود که شاهد آن هستیم.

حجت الاسلام کربلایی گفت: حفظ و اشاعه مکتب با وجود مدیریت و روشمند بودن بهتر جواب می دهد و این غیر از این است که ما دچار تشکیلاتی شدن و فرقه سازی شویم. شیخ طریقت باید بداند که نوکر است نه آقا. ما حدیثی در سنت اسلامی داریم که «العلماء ورثة الانبیاء» یعنی عالمان وارثان پیامبر الهی هستند. در شرح این حدیث شخصیت هایی که

جز عارفان شیعه هستند مانند سیدحیدر آملی، ابن ابی جمهور احسائی در قرن هشتم و نهم می گویند انبیا یکسری وارثان ظاهر دارند که ظاهر آنها را به ارث برده اند که بحث به ارث بردن شریعت است. فقها و محدثین وارث ظاهر پیامبر هستند و نیز یکسری وارث باطن انبیا هستند. باطن نبوت، ولایت است و ورثه باطنی پیامبران، عرفا و اولیای الهی هستند.

وی ادامه داد: اختلاف میان فقها و عرفا همواره وجود داشته است و این امر را ما در دیگر ادیان نیز شاهد هستیم. اختلاف موجب ترقی می شود اما ما باید بتوانیم با هم گفتگو کنیم نه اینکه یکدیگر را تکفیر نمائیم. گفتگو و تحمل و مدارا کردن موجب پیشرفت می شود.

انحراف برخی چهره صوفیه

حجت الاسلام کربلایی گفت: در مقام آسیب شناسی ما آسیب های جدی ای در حوزه تصوف نسبت به انحراف برخی چهره صوفیه از این مبانی و اصول داریم. علم حقیقی علمی است که منشأ آن الهی است، اما دیده شده که ما در تصوف شاهد علم گریزی هستیم.

وی ادامه داد: در بحث آداب تصوف، خانقاه ها و دیگر نهادهای اجتماعی تصوف به اقتضای نیازهای زمان پیدا شده اند. ما در عالم شیعه مسجد و حسینیه داریم. آیا حسینیه در مقابل مسجد است؟ حسینیه کارکرد خودش را دارد. خانقاه ها و مهمان خانه های صوفیان یک شأنش این بود که مساکین را اطعام کند. قدما مسجد و خانقاه و مدرسه علمیه را کنار هم می ساختند و معارض هم نبوده است. حتی در علم فقه داریم که وقف بر خانقاه نیز جایز است، چون جایگاه دینی داشته است.

وی افزود: بحث تصوف بحثی پیچیده است چون علل مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در آن دخالت دارد. تصوف با دل انسان ها سروکار دارد و جریانی معنوی است، لذا اثرگذاری آن زیاد است. آموزه های تصوف همه شئون فردی و اجتماعی فرد را درگیر می کند.

وی اظهار داشت: در نگاهی که عرفا و صوفیه به اصل دین دارند برای دین لایه های باطنی قائل اند. شریعت، طریقت و حقیقت این سه لایه است. یک صوفی حقیقی کسی است که قولاً (شریعت) و فعلاً (طریقت) و حالاً (حقیقت) تابع پیامبر اکرم است.

حجت الاسلام کربلایی گفت: تصوف امر پیچیده ای است چون علل دینی، فرهنگی، اجتماعی در آن وجود دارد، لذا کسانی که با اسلام و تشیع و گفتمان نظام اسلامی همراهی نمی کنند در حوزه تصوف خیلی سرمایه گذاری کرده و می کنند. وهابیت و سلفی گری و کسانی که نگاه قشری به دین دارند و البته پیش از همه قدرتهای مخالف تشیع مثل آمریکا در این قسمت سرمایه گذاری می کنند. چرا ما مطالعه و سرمایه گذاری نکنیم؟ چرا دنبال این معنا نباشیم که در این مورد آگاهی سازی کنیم؟ فقدان آگاهی سازی در مورد تصوف موجب افراط و تدریج در برخورد با آن می شود.

باید با جریان فرهنگی به لحاظ راهبردی به صورت فرهنگی تعامل کرد

وی افزود: وقتی که ما دچار سیاست زدگی شویم و یک جریان فرهنگی را سیاسی و امنیتی ببینیم، مشکلات زیادی برایمان پیش می آید. باید با جریان فرهنگی به لحاظ راهبردی به صورت فرهنگی تعامل کرد. نباید موقعیت به جایی برسد که مجبور شویم با آنها سیاسی و امنیتی برخورد کنیم.

وی ادامه داد: همچنان که فرقه سازی، وحدت و انسجام جامعه اسلامی و شیعه را از بین می برد، برخوردهای تند و اصطکاکی هم موجب فرقه سازی می شود. تجربه ثابت کرده در جهان امروز در مورد فرقه ها برخوردها نباید اصطکاکی باشد که این امر بدتر موجب فرقه سازی و شکل گیری انشقاق های اجتماعی می شود. برخورد باید سازنده باشد. سازنده بودن برخورد به ترسیم و تبیین مکتب درست است.

وی اظهار داشت: اگر ما ایجابی برخورد کنیم و مکتب درست را برای جامعه تبیین کنیم، خود به خود برداشت های انحرافی کنار زده می شود و از فروغ و روشنایی آن جریان های منفی کاسته می شود و اثرگذاری خود را از دست می دهد. تصوف هم همین است. وقتی ما معنویت را گسترش دهیم و با سران این جریان های معنوی گفتگوی سازنده و همدلانه داشته باشیم، خیلی از مشکلات کاهش می یابد.

استاد دانشگاه ادیان و مذاهب گفت: چرا تصوف موضوع امروز ما شده است؟ واقعاً اینقدر اهمیت دارد؟ به نظر می‌رسد که به این میزان اهمیت و ضرورت نداشته باشد. گفتگوی علمی و شفاف سازی خوب است، اما اینکه به یک سری مسائل دامن زده شود و معضل شود پسندیده نیست.

وی ادامه داد: باید بین محققین از عرفا و صوفیه با جهله صوفیه فرق بگذاریم. محققین صوفیه نشان داده اند که هم به لحاظ فرهنگی و هم اجتماعی، خیلی قدرتمند و اثرگذار هستند. از همان دوران نخستین شکل گیری عرفان، مشایخ اصیل بیش از همه و پیش از همه متذکر می شدند که «نه هر چهره برافروخت دلبری داند، نه هر که سر نتراشد قلندری داند».

شریعت گریزی و لاابالی گری در تصوف

وی افزود: تأکید بر مسئله عشق موجب شده گاهی مسئله عقل تحت الشعاع قرار بگیرد و عقل گریزی را به عنوان انحراف در تصوف داشته باشیم. این مسئله که دین باطن دارد و حقیقت دین توحید است، در تصوف موجب شده گاهی شاهد شریعت گریزی و لاابالی گری نسبت به دستورات شریعت باشیم. اینها را انکار نمی کنیم. در عین بودن مشکلات و انحرافات باید پالایش کرد. باید گفتگو کنیم و منعطف باشیم تا بتوانیم اصلاح کنیم. حذف کردن نتیجه مثبت در دراز مدت به همراه ندارد.

وی اظهار داشت: تصوف برای ما فرصتی است در مقابل وهابیت و سلفی گری. ما تاکنون تصوف خارج از ایران را تقویت کرده و با تصوف داخلی مواجهه خوبی نداشته ایم که این در مقام راهبرد نشان داده که سیاست درستی نیست. در مناطقی در ایران که صوفیان هستند، وهابیت نمی تواند فعالیت زیادی داشته باشد. اصل اصیل عرفان و تصوف، ولایت اهل بیت است ولو اینکه شخص ممکن است سنی باشد، اما اعتقاد دارد که باب مدنیة علم الهی، علی ابن ابی طالب (ع) است. اینها واقعیت تصوف است.

کربلایی گفت: باید برای بحث مناسبات تصوف و تشیع هم فکری بکنیم. ما در تشیع موافقان و مخالفانی در مورد تصوف داریم. علل و عوامل موافقت و مخالفت باید احصا و بررسی شود.

آسیب شناسی به معنی انکار تصوف نیست

حجت الاسلام حامد آل یمین، استاد دانشگاه تهران نیز در این نشست گفت: من در این نشست در مورد آسیب شناسی تصوف صحبت می کنم. وقتی ما در مورد آسیب یک چیزی صحبت می کنیم به معنای انکار یا رد آن نیست. هر جریان و تفکری می تواند آسیب هایی داشته باشد و ما می خواهیم این آسیب ها را بررسی کنیم تا آنها را برطرف کنیم.

وی ادامه داد: نکته اول این است که تصوف دو بخش دارد؛ یکی آنچه امروز به عنوان تصوف می بینیم و دوم آن چیزی که در طول تاریخ اسلام در میان جامعه اسلامی جریان داشته است. بحث این است که این دو چه نسبتی با هم دارند و آیا در ادامه هم اند؟ آسیب هایی که تصوف امروز دارد همان آسیب هایی است که دیروز بود و یا امروز آسیب هایی اضافه شده است؟

وی افزود: البته نمی توان تصوف را بدون آن نگاه تاریخی بررسی کرد. ما باید به تاریخ آن نیز توجه داشته باشیم. در طول تاریخ از ابتدای آغاز تصوف، شاهد اختلاف نظرهایی بودیم و تصوف همواره در پاسخگویی و بازسازی خود در مورد این نقدها بود.

آل یمین گفت: اگر اهل تصوف به آسیب ها دقت داشته باشند و اینها را با نگاه همدلانه بررسی کنند، می توانند آنها را برطرف کنند.

وی ادامه داد: مثلاً از ابتدا در مورد اینکه تصوف فرقه هست یا نیست، بحث بوده است. نگاهی که از بیرون تصوف به تصوف می شد، آنها را به عنوان یک فرقه نگاه می کردند. گروهی جدای از سایر مسلمانان جامعه به چشم می آمدند. آنها خود را تافته جدابافته و بهتر و برتر از دیگران می دانستند. این آسیب از روز اول بوده و امروز هم شاهد آن هستیم.

وی افزود: رفته رفته در میان تصوف ما شاهد آداب و رسومیه هستیم که با دیگر مسلمانان تفاوت می کند و یا اینکه ذکرهایی می گویند و حرکاتی دارند. اگر مقایسه ای در مورد حسینییه و خانقاه صورت می گیرد، باید به این نکته توجه کرد که حسینییه جایی است که همه شرکت می کنند، اما در خانقاه وقتی می خواهید ذکر بگویند حتماً باید تحت نظر استاد باشید و تعداد مشخصی بگویند و حرکت خاصی داشته باشید. اینها آداب و رسومیه می شود که با آداب و رسومیه که اکثر جامعه اسلامی به آن می پردازند تفاوت می کند. مردم در محرم در عزاداری شرکت می کنند و شکل خاصی ندارد، اما کسی نمی تواند انکار کند که صوفی ها آداب و رسوم خاصی دارند که دیگران مانند فقها و اهل حدیث وhellip ندارند. لذا این مسائل باعث شد آنها را به عنوان یک دین جدید تلقی کنند.

آل یمین گفت: اگر امروز به قطب صوفی ها بگوییم شما فرقه هستید ناراحت می شوند و می گویند ما طریقت هستیم. آنها خود را یک گروه اهل علم می دانند که علوم دینی را از یک روش دیگر در جامعه منتقل می کنند. اینها را می گویند تا آن سوال و شبهه ای که در طول تاریخ وجود داشته و امروز هم هست، پاسخ داده شود. البته من به این امر نپرداختم که اینها فرقه هستند یا طریقت. می خواستم تاریخ این مسئله را بیان کنم.

وی ادامه داد: امروزه علمای ما و علمای اهل سنت، تصوف را رد می کنند و آن را خارج از مذهب تشیع و تسنن می دانند. اشکال به تصوف از نگاه عالمان شیعی و سنی، مشترک است و همه به تصوف انتقاد می کردند. ما نداشته ایم که پیامبر در مجلسی بنشیند و ذکر را با دفعات مشخص و با حرکات مشخص بگوید.

خود صوفیان هم انتقاداتی به خودشان را وارد می دانند

وی افزود: ما معضلات و آسیب هایی داریم که خود صوفیان هم به آن می پردازند. خود صوفیان هم انتقاداتی به خودشان را وارد می دانند. این انتقادات چرا اینقدر زیاد است؟ چند دلیل دارد. یکی اینکه تصوف به جریانی اجتماعی تبدیل شد و کار از دست رهبران و خواص آن خارج شد. ما در تشیع در مورد عزاداری آسیب شناسی می کنیم چراکه عموم مردم وارد آن می شوند و به یک فولکور اجتماعی تبدیل می شود.

آل یمین گفت: یکی از چیزهایی که باعث شد تصوف دچار آسیب شود این بود که وارد فضای عمومی جامعه شد. اگر از رهبران شان سوال شود می بینیم که آنها خیلی با حرکاتی که گاهی در کلیپ ها می بینیم، موافق نیستند. گاهی چیزی نمی گویند چون اگر بگویند، همان چند نفری که دور آنها هستند هم می روند.

وی ادامه داد: در علوم اسلامی که به صورت استاد و شاگردی تحصیل علم می شود، وقتی استاد روایتی می خواند برای آن سند دارد، مثلاً می گوید که از چه کتابی این روایت را می خواند و همه می توانند در مورد آن تحقیق کنند و جای صدق و کذب آن و اثبات آن برای همه باز است.

وی افزود: اما در تصوف آن شخص استاد ادعا می کند که من از علم پیامبر به شما خبر می دهم، می گوید دیشب رسول خدا را در عالم رؤیا دیدم که به تو گفت فلان کار را انجام بده! شما این را چگونه می خواهید رد یا اثبات کنید؟ ادعاهایی که می کنند را نمی توان رد یا اثبات کرد. این آسیب بزرگی است. مریدان هرچه خلاف از آنها می بینند تأیید می کنند و اگر گناه هم از اینها سر بزنند، می گویند که حتماً چیزی می داند که دارد گناه می کند.

آل یمین گفت: کسانی که مرید می شوند نمی توانند صوفی استاد را انکار کنند. توصیه هایی مانند نمازخواندن، طلاق همسر، کشتن افرادی وhellip از جمله توصیه هایی است که به مریدان شده است و مبنایی هم ندارد.

وی ادامه داد: معمولاً کسانی که مرید می شوند مسیری را طی می کنند. مریدان برخی کراماتی را از شیخ می بینند که این باعث می شود جذب آن استاد شوند. این کرامت ها مثل تصرف کردن در خواب وhellip چیزهایی است که می شود از مسیرهای انحرافی به آن رسید. ما نمی دانیم که اینها در این راه از ولایت خدا استفاده می کنند یا از ولایت شیطان. این برای افراد قابل کشف نیست لذا باعث می شود جذب آنها شوند.

وی افزود: آنها می گویند ما با ظاهر کار نداریم، ما با باطن شما کار داریم، اما در عین حال افعالی ظاهری از مریدان می خواهند. حلال و حرامی را مشخص می کند که مربوط به ظواهر است در حالی که ادعای او ادعای باطن است. کسی که نه درس شریعت خوانده و نه قرآن را می تواند درست بخواند و نه بفهمد، ادعای شریعت می کند و می گوید اگر نماز هم نخوانید عیبی ندارد و در اوقات نماز فلان شعر مثنوی را بخوانید. فقها این مشکلات را دیده اند که با تصوف مقابله می کنند.

وی اظهار داشت: در برخی از جریان های تصوف به جای خمس بحث دیگری به نام عشریه دارند که یک دهم اموال را به شیخ طریقت می دهند. کجای این معنویت و باطن است؟

آل یمین گفت: در تصوف امروز مثل گنابادی ها و ذهبیه، تأثیراتی که سابقاً شاهد آن بودیم امروز برای آنها نیست. امروز افرادی اثرگذارند که کارهای صوفیان قبلی را می کردند یعنی ظاهر خیلی باتقوایی داشتند و از غیب خبر می دادند. کسانی هم به سراغ آنها می روند که به دنبال خبر از غیب هستند. افرادی که با شریعت مشکل دارند مثلاً با نماز و حجاب مشکل دارند، به دنبال جایی می روند که مشکلاتشان حل شوند و دنبال تعبیر خواب هستند و آینده برایشان توصیف شود و یک حس خوب معنوی بیابند.

وی ادامه داد: کسانی که به دنبال رشد معنوی هستند به سراغ این جور گروه ها نمی روند و به دنبال عالمان ربانی می روند.

تصوف در جهان اهل سنت خیلی نقش پررنگ و مؤثر و مفیدی دارد

وی افزود: نکته دیگر در مورد تصوف در جهان اهل سنت است. تصوف در جهان اهل سنت خیلی نقش پررنگ و مؤثر و مفیدی دارد. در جان اهل سنت، تصوف تفاوتی با ما دارد که تصوف اهل سنت به خصوص در کشورهای شمال آفریقا، برخلاف ایران یک نظم و حساسی دارد. تصوف در این کشورها پذیرفته شده است و به این واسطه نظمی هم پیدا کرده است. یعنی همه چیز یک طریقه شفاف و مشخص است و از حالت پنهانی و مخفی بیرون آمده است، لذا نگرانی ها نسبت به آنها کاسته شده است. مخفی کاری حساسیت برانگیز است.

آل یمین گفت: در جهان تشیع به واسطه انکاری که از ناحیه فقها وجود داشت و آسیب هایی که متصوفه داشتند، باعث شد فتوای قتل برخی مشایخ تصوف داده شد و این باعث شد اینها به سمت مخفی کاری بروند و نظم مشخصی ندارند. در مصر، صوفیان قانونی دارند که تصویب شده و مجلس شورای دارند. مراکز متولی تصوف به افراد مجوز فعالیت می دهند و یا مجوز آنها را باطل می کنند.

وی ادامه داد: در جهان تشیع اگر طلبه ای دچار انحراف شود، آن را خلع لباس می کنند، اما در تصوف در ایران چنین چیزی نداریم که از خود متصوفه، نهادی بر کارهای صوفیان نظارت داشته باشد. این آسیب تصوف را بیشتر کرده و باعث مخالفت بیشتر نهادهای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و امنیتی شده است.

وی افزود: نکته بعدی در مورد رویکرد سیاسی تصوف است. هدف تصوف مشاهده حضرت حق و رسیدن به مقام توحید، امروز خیلی مطرح نیست. ما می بینیم هزینه ها و حمایت هایی که برای تصوف داده می شود، از سوی گروه های مخالف اسلام داده می شود. حرف های معنوی در حاشیه است و نوع نگاه و رویکرد آنها امروز سیاسی است. مراکز متعدد آنها در کشورهای غربی است. افرادی که سراغ صوفیان می روند افرادی هستند که مخالف بحث های فقهی و انقلابی ما هستند. این رویکردهایی است که امروز متأسفانه حساسیت ها را بیشتر کرده است.

آل یمین گفت: رویکردهایی که ما نسبت به صوفیان داشته ایم نیز باید مورد بررسی قرار گیرد و نقد شود، اما این سوال مطرح است که صوفیان چرا به سمت غربی ها و دشمنان این مملکت متمایل می شوند؟ صوفیان ادعای معنویت می کنند که ما در مقام عمل و در بزنگاه ها و دعوای و اختلافات شاهد آن نیستیم و انتظار ما از یک فرد معنوی بیش از اینهاست.

یکی از عوامل فرقه سازی در طول تاریخ عدم ایفای صحیح نقش روحانیت است

حجت الاسلام کربلایی در جمع بندی سخنان خود در این نشست گفت: تصوف و عرفان عقبه ای دارد و تصوف دوره معاصر مشکلات خاص خود را داشته و دارد. سخن ما این است که شناخت مکتب و مبانی و روش ها اصل است. باید آن آسیب ها و انحرافات پالایش و اصلاح شود. عطش معنویت که همه جهان دارد در ایران باید فضاهایی داشته باشیم و اشخاصی تربیت کرده باشیم که بتوانیم افراد را به لحاظ معنوی تأمین کنیم. اگر این محقق نشود، معنویت های نوپدید گسترش پیدا کرده و سر در می آورد.

وی ادامه داد: وقتی مکتب عرفان سنتی خود و فضاهایی که دارید را مورد فشار قرار می دهید و نمی توانید با آنها تعامل

و گفتگو داشته باشید، طبیعتاً جامعه به دنبال معنویت های دیگر می رود. وقتی تلقی از دین، فضای خشک و ظاهری است، طبیعتاً جوانی که در اثر تربیت خانواده و جامعه در مسائل شرعی مثل حجاب و... طور دیگر است به سمت شخصی جذب می شود که این نوع فشارها را به او نمی آورد. برخورد تند نمی تواند موفق باشد. وقتی در حوزه های علمیه به طلاب شیوه صحیح روش تعلیم و تربیت اسلامی را یاد نداده باشند، جوانان جذب فضاهای دیگر می شوند. می خواهیم بگویم روش های ما مشکل دارد و رویکرد ما کامل و پخته و برنامه ریزی ها ما همه جانبه نگر نیست.

وی در پایان گفت: یکی از عوامل فرقه سازی در طول تاریخ عدم ایفای صحیح نقش روحانیت است. اگر روحانیت و دستگاه های مربوطه به لحاظ فرهنگی خوب و سازنده نقش خود را ایفا نکند ما شاهد این مشکلات نخواهیم بود. این کار حوزه هاست. حوزه علمیه لازم است مسائل را تبیین و توضیح دهد.

هدف ما انکار صوفیان نیست، بلکه اصلاح است

حجت الاسلام حامد آل یمین نیز در جمع بندی سخنان خود گفت: هدف ما انکار صوفیان نیست، بلکه هدف ما اصلاح رویکرد صوفیان است. از بحث بنده نباید اینطور برداشت شود که ما به دنبال انکار تصوف هستیم. ما می خواهیم آسیب های آن مرتفع شود. مثلاً اینکه ما از آسیب شناسی عزاداری امام حسین حرف می زنیم نمی خواهیم، عزاداری را انکار کنیم.

وی ادامه داد: اینکه ما در بحث تصوف باید چه کارهایی بکنیم، حتماً جنبه های مختلفی دارد. رسانه، روحانیت، نیروهای سیاسی و امنیتی هر کدام یک رسالت دارند، ما باید بپذیریم که چنین پدیده ای وجود دارد و نکته بعدی این است که اینها را بشناسیم. گاهی اظهارنظرهایی که در مورد صوفیان می شود به واسطه جهل ما نسبت به اینهاست. مثلاً برخی صوفیان مراجع تقلید را می پذیرند، اما ما اصرار داریم که این مسئله را انکار کنیم.

وی افزود: ما بعد از اینکه تصوف را به درستی شناختیم، مرحله بعدی گفتگوی با اینهاست. خودشان تصوف را معرفی کنند و نقدهایش را بگویند. با این گفتگوها خیلی از این اختلافات حل می شود. هم در فضای رسانه ای و هم در فضای علمی باید این اتفاق بیفتد. ما نباید آنها را به سمت تبلیغ و فعالیت های مخفیانه سوق دهیم که هم فضا را امنیتی می کند و هم شکاف اجتماعی ایجاد می کند.

وی اظهار داشت: مثل کشور مصر که اینها قانون دارند و به صورت مشخص جلساتشان برگزار می شود، در اینجا هم باید همین اتفاق بیفتد. ما به اینها با نگاه دشمن و دیگری نگاه نکنیم. اینها مشارکت سیاسی و اجتماعی دارند و بخشی از مردمند. اگر خودشان می گویند ما فرقه نیستیم ما نباید اینها را تبدیل به فرقه کنیم.

آل یمین در پایان گفت: ما باید اطلاعات دینی طریقه ها را بالا ببریم مثل همان اتفاقی که در مصر افتاده است. طریقه های تصوف، اطلاعات دینی شأن ضعیف است. باید دوره هایی در توحید و معاد و تاریخ پیامبر و... برایشان در نظر گرفت. ما هم باید به کلاس های آنها برویم. این خیلی مسیر را هموار می کند. نقاط قوت اینها و خدمات اینها به اسلام و انقلاب و فرهنگ و تمدن اسلامی باید بیان شود.

عباس بنشاسته